

آینه

انتخاب

سوق دادن به قانون گریزی

● **بهمن کشاورز:** ... در موارد فیلترینگ نیز به‌رحال مردم ابزارهای برخورد با آن یا به‌اصطلاح دوزدن آن را پیدا می‌کنند، بنابراین اقداماتی از این قبیل به خودی خود تشویق به قانون‌گریزی محسوب می‌شود زیرا وقتی مواردی را مردم به‌عنوان حقوق مسلم خود و حتی حقوق مکشیشان شناختند و باور کردند اگر این حقوق بدون ارائه ادله قانع‌کننده که برای عامه مردم قابل درک و قبول باشد محدود یا حذف شود ناچار برای احقاق آنچه که حق خود می‌دانند به وسایلی متوسل خواهند شد که ممکن است توسل به آن خود نوعی قانون‌شکنی و قانون‌گریزی محسوب شود. به‌طورکلی برخورد‌های حذفی به آن می‌ماند که مثلا ساخت و عرضه جاقو یا کارد آتش‌پزخانه را منتهی کنیم به‌لحاظ وجود این احتمال که شاید کسانی با آن مرتکب جرح و قتل شوند یا حمل خودکار و خودنویس و مداد را منع کنیم چون ممکن است کسی با آنها هزینه‌نگاری کند یا صور قبیحه ترسیم کند.

صنعت

جای خالی اصلاحات ساختاری

● ... آن‌قدر سیاست‌های دولت در سیاست‌های پولی کشور درهم تنیده شده که اجازه نمی‌دهد سیاست‌گذاران پولی خود به‌دنبال راه و چاه برای مشکلات پولی کشور باشند و هر بار مجبور می‌شوند با تن دادن به خواسته‌های دولتمردان منابع مالی خود را صرف امور دولتی کنند و خود دچار تنگناهای شدید مالی شوند. از طرفی هر بار که تصمیمی برای رفع مشکلات شبکه بانکی کشور گرفته می‌شود تنها به این راهکار می‌رسند که با یک سیاست کوتاه‌مدت پولی، برای مدتی دست به جمع‌آوری مقداری از نقدینگی‌های موجود در اقتصاد بزنند و به انجام دارایی‌های مالی کشور در شبکه بانکی کشور منجر شوند. این در حالی است که اگر این نقدینگی‌ها در فعالیت‌های اقتصادی تزریق شود می‌تواند به توسعه فعالیت‌های تولیدی در اقتصاد منجر شده و با بهبود شرایط فعالان اقتصادی در یک چرخه به‌هم‌پیوسته مطالبات معوق شبکه بانکی را درمان کند. اما این چرخه به‌هم‌پیوسته به اینجا ختم نمی‌شود؛ اگر فعالیت تولیدی در اقتصاد رونق نگیرد نمی‌توان منظر خبرهای خوبی برای رشد اشتغال در اقتصاد کشور بود و تا زمانی که نیروی انسانی نتواند وارد این چرخه اقتصادی شود نمی‌توان به رفع فقر و بهبود سطح درآمدی قشرهای مختلف در کشور امیدوار بود.

کیم

جایگاه زن در غرب، از تخیل تا واقعیت

● موج گسترده و سنگین تبلیغات رسانه‌ای همواره بر این مبنا بوده که زنان در جمهوری اسلامی زیر شدیدترین فشارها قرار دارند و از هیچ‌یک از آزادی‌های قانونی و شرعی خود برخوردار نیستند و در مقابل زنان در غرب با برخورداری از عدالت جنسیتی و تمامی آزادی‌ها و حقوق برابر با مردان به سرعت در حال طی‌کردن مسیرهای پیشرفت و ترقی هستند اما واقعیت چیز دیگریست... همان‌طور که رهبر انقلاب نیز فرمودند وجود عدالت جنسیتی در غرب تنها «ظاهر قضیه» است و باطن موضوع کاملا مغایر با این صورت بزرگ‌کرده بدن، در اروپا و آمریکا گزارش‌ها نشان می‌دهد حتی به‌لحاظ موقعیت کاری نیز زنان کمتر از مردان حقوق می‌گیرند...
ظاهر قضیه این است که زنان در غرب به‌دلیل عدم وجود حجاب باید زندگی بدون استرس و فشاری داشته باشند و آمار تعرض و تجاوز جنسی نیز باید به شدت پایین باشد اما گزارش‌ها و نظرسنجی‌هایی که در خود مراکز غربی طی سال‌های اخیر منتشر شده دقیقا پرده از این واقعیت برمی‌دارد که در پشت ظاهر فریبنده تبلیغاتی «برابری جنسیتی» واقعیت تلخ دیگری در جریان است که به وضوح نشان می‌دهد مشکل حجاب یا روسری نیست...

روایت‌ها

● یک پژوهش با تأکید بر این موضوع که پنجره فرصت جمعیتی تا ۳۰ سال آینده باز خواهد بود، اثرات اقتصادی انتقال جمعیتی و رشد جمعیت سالمند بر «اشتغال»، «کاهش درآمدهای مالیاتی»، «هزینه‌های سلامت» و «سهم انتقالات عمومی در بودجه» را بررسی کرده است. این پژوهش تأکید می‌کند که باید از فرصت‌های لازم برای بهره‌گیری از سود جمعیت در دوره جاری استفاده کرد و شرایط لازم را نیز برای اصلاحات صندوق‌های بازنشستگی مهیا کرد. سازمان برنامه و بودجه کشور در یک گزارش به بررسی شرایط پنجره فرصت جمعیتی ایران پرداخته است. عنوان این گزارش «ایران تا ۳۰ سال آینده در شرایط پنجره فرصت جمعیتی خواهد بود» است و در مقدمه این گزارش، آمار جمعیتی کشور براساس سرشماری سال ۱۳۹۵ منتشر شده است.

politics@sharghdaily.ir

مطالب ارسالی از طرف خوانندگان، هر پنجشنبه، در صفحه «مخاطبان شرق» منتشر می‌شود. مطالب مخاطبان برای اینکه قابلیت چاپ را در این صفحه داشته باشد، باید همراه نام، مشخصات، شماره تماس نویسنده و تا آنجا که ممکن است به صورت خلاصه با درج عنوان به آدرس

پژواک

پیرامون یک بحث درباره حجاب...

محمدجواد رهسپار

پیرامون یک بحث درباره حجاب...

حقوقی کنونی تالیف رضا شکری و قادر سیروس). حال آن را با وضع جامعه امروز ایران و نه‌تنها تهران مقایسه کنید؛ در این صورت بیش از نیمی از جمعیت زنان و دختران ایرانی مجرم و مستحق تعزیرند! آقای مطهری فرموده‌اند: وقتی از طرفداران حجاب اختیاری سؤال می‌کنیم مرز این اختیار کجاست؟ پاسخی ندارند جز اینکه جامعه اروپا و شهرهایی مثل ایتالیا را نشان بدهند و در نهایت بگویند برهنگی بیماری امروز دنیای ماست...». شنبه همین بیانات را قبلا امام‌جمعه موقت تهران از جایگاه نماز جمعه بیان کرده‌اند که: «این جماعت اگر قدرت پیدا کنند، روزی به آنجا می‌روند که می‌گویند حجاب اختیاری هم نه، آن‌چنان‌که که‌عبه‌های عشق آنها اروپای این چنین است». آقای مطهری نیز در ادامه بیان کرده‌اند: «فاجعه اندلس را که در آن غربی‌ها سرزمین اندلس را به گفته خودشان به کمک دو عنصر زن و شراب از دست مسلمانان خارج کردند و مرتکب جنایت‌های وحشتناک شدند، نباید فراموش کنیم...». در حالی که اولاً: صرف‌نظر از بحث حجاب اختیاری، به عقیده برخی (اگر نکوییم بسیاری) از حقوق‌دانان و جرم‌شناسان، صرف مجازات و تنبیه با ابزار حقوق کیفری، وسیله مناسبی برای پاسخ به بحران‌های اجتماعی نیست. در این صورت، اعمال فشار با اهرم قانون نتیجه عکس می‌دهد، چنان‌که پدیده نوظهور موسوم به دختران خیابان انقلاب را می‌توان مصداق این موضوع دانست.

ثانیاً: آقای دکتر رسول جعفریان استاد ممتاز دانشگاه تهران در رشته تاریخ- که از قضا در تاریخ اسلام نیز صاحب فکر و آثار فراوان هستند- کتابی

انتخاب کالای ایرانی حق مردم است

فرهاد خزانلی

حمایت از کالای ایرانی به سبک خودرو های تولید داخل نه تنها هرگز موفق نبوده، بلکه هزینه‌های گزافی به اجتماع تحمیل کرده است. تولید به سبک ایرانی زمانی مثرترم خواهد بود که تولیدکننده خود را ملزم به رعایت کیفیت بالا، حفظ استانداردهای جهانی و مشتری‌مداری بداند. تولیدی مورد اقبال عموم خواهد بود که این سه خصیصه عمده را با خود همراه داشته باشد. بستن راه ورود سایر تولیدات و اجبار مردم به خرید کالای ایرانی نمی‌تواند حس غیرت ایرانی را تحریک کند بلکه حرص به خرید محصولات خارجی را بیشتر تقویت می‌کند. مناطق آزاد نمونه‌ای از نتیجه سال‌ها حمایت نادرست از تولید ماشین ایرانی است. مناطقی که عدم استفاده از ماشین ایرانی در آن تبدیل به یک قانون نانوشته شده است. در حوزه پیام‌رسان‌ها، کار کمی مشکل‌تر خواهد بود. پیام‌رسان‌ها صرفا اخبار را انتقال نمی‌دهند. این ابزار تبدیل به راهی ساده برای ارتباطات بسیار خصوصی و خانوادگی شده است. حفظ امنیت و انتقال این حس به کاربر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. برای مثال فردی که در حال مکالمه خصوصی با یکی از اعضای خانواده‌اش است، باید این اطمینان را داشته باشد که پیامش هرگز توسط فردی دیگر و بندهم و آن را با یک نرم‌افزار مطمئن سطح پایین‌تر جایگزین کنیم، چه اتفاقی‌ری خواهد داد. تجربه

دارم» نیز می‌تواند یک راز مگو برای فرد محسوب شود. قطعاً پیام‌رسان خارجی صرفا با ادعای حفظ حریم خصوصی نمی‌تواند این شرایط را به وجود آورده باشد. اما تفاوت آنجاست که پیام‌رسان خارجی توسط میلیون‌ها نفر استفاده می‌شود و شرکت‌های معتبر غریباسته و نهادهای نظاری مانند رسانه‌های آزاد بر عملکرد آن نظارت دارند و کوچک‌ترین انحرافی را گزارش می‌کنند (مانند آنچه برای فیس‌بوک و یاهو رخ داد). حال این وضعیت چگونه برای پیام‌رسان‌های داخلی پیاده خواهد شد. پیام‌رسان داخلی را هر فرد مستعدی می‌تواند تولید کند. اما چه قوانینی از بهره‌بردار آن حمایت خواهد کرد. منظور از حمایت صرفا حمایت در زمینه هک‌نشندن نیست. دستگاه‌های دولتی چگونه از دسترسی به اطلاعات خصوصی افراد منع خواهند شد. زمانی که سهم اعظم اینترنت کشور در اختیار برخی شرکت‌هاست، چگونه می‌توان مردم را قانع کرد که پیام‌رسان اطلاعات خصوصی آنان را حفظ می‌کند. یا زمانی که به زعم مسئولان، اقبال عمومی به صداوسیما کاهش یافته است و حتی برخی آن را میلی می‌خوانند، چگونه یک کاربر می‌تواند از پیام‌رسانی استفاده کند که منتسب به صدا و سیماست حتی اگر این انتساب کذب باشد. چه نهاد مستقلی که هیچ وابستگی‌ای به دولت نداشته باشد بر عملکرد امنیتی پیام‌رسان نظارت می‌کند و

به نام ملت، به کام دولت

بیژن آوش

مسکن، تأمین مصالح ساختمانی غیراستاندارد و اجرای عملیات ساختمانی برای افزایش کمیت و کاهش کیفیت از طریق حاکمیت روابط به‌جای ضوابط را می‌توان از دلایل حضور گسترده ویژه‌خواران و کانون‌های قدرتی سیاسی و ثروت در پروژه مسکن مهر دانست و در مقابل، مردم ضعیف و محروم مورد اغفال، اهمال و اضرار رجال سیاسی و اقتصادی قرار می‌گیرند.نقشه پرآکنده‌سازی بلوک‌های مسکونی در نواحی شهری مسکن مهر، بیانگر انگیزه تأمین‌کنندگان زمین‌های این مسکن در راستای بالا بردن میزان سطح کاربری و افزایش سود ضامعاف است؛ به‌طوری‌که در مسیر اجرای این پروژه‌ها، منافع دولت و گروه‌های وابسته به دولت تأمین مسکن، در این میان، تنها باقی‌مانده‌های این ریخت‌وپاش غلط تنظیم نقش افشار ضعیف و آسیب‌پذیر

مسکن، تأمین مصالح ساختمانی غیراستاندارد و اجرای عملیات ساختمانی برای افزایش کمیت و کاهش کیفیت از طریق حاکمیت روابط به‌جای ضوابط را می‌توان از دلایل حضور گسترده ویژه‌خواران و کانون‌های قدرتی سیاسی و ثروت در پروژه مسکن مهر دانست و در مقابل، مردم ضعیف و محروم مورد اغفال، اهمال و اضرار رجال سیاسی و اقتصادی قرار می‌گیرند.نقشه پرآکنده‌سازی بلوک‌های مسکونی در نواحی شهری مسکن مهر، بیانگر انگیزه تأمین‌کنندگان زمین‌های این مسکن در راستای بالا بردن میزان سطح کاربری و افزایش سود ضامعاف است؛ به‌طوری‌که در مسیر اجرای این پروژه‌ها، منافع دولت و گروه‌های وابسته به دولت تأمین مسکن، در این میان، تنها باقی‌مانده‌های این ریخت‌وپاش غلط تنظیم نقش افشار ضعیف و آسیب‌پذیر

بر عزم خود مبني بر ادامه همکاری برای نابودی

ادامه از صفحه اول

ضربه به صنعت داخلی؟

این پیشنهاد عجیب و مطالعه‌نشده، بدون بررسی در کمیسیون تخصصی، در صحن مجلس طرح و تصویب می‌شود! اما دیوان عدالت اداری با صدور دستوری موقت خواهان لغو افزایش تعرفه واردات خودرو می‌شود و وزارت صمت از اجرای این دستور سر بازمی‌زند! در ادامه، طرح دو فوریتی کاهش تعرفه واردات خودرو در مجلس شورای اسلامی به جریان می‌افتد. این آشفتنگی تا انتهای سال ۱۳۹۶ ادامه می‌یابد و همچنان همه خریداران و واردکنندگان خودرو منظر تعیین تکلیف تعرفه‌ها و برقراری نوعی ثبات در بازار هستند. اما روی دیگر این داستان، شرکت‌های خودروساز داخلی و چینی هستند که با افزایش نجومی تعرفه واردات، دست رقیب را از بازه قیمتی محصولات صد تا ۲۰۰ میلیون تومانی هم کوتاه‌شده دیده و بدون هیچ تغییری در کیفیت خودروهای خود، قیمت‌های فروش را افزایش دادند. این در حالی است که بخش عمده‌ای از آمار مرگ‌ومیر تصادفات و همچنین آلودگی هوا در ایران، نتیجه مستقیم تولید خودروهای بی‌کیفیت آنهاست. طبق آمار رسمی، خودروهای بی‌کیفیت داخلی و چینی مستقیا عامل مرگ و آسیب‌دین سالانه ده‌ها هزار نفر در ایران هستند؛ اما اکنون این شرکت‌های ایرانی- چینی از قواعد جدید بسیار خشنودند و پس از حذف اجباری رقیب از بازار، نیازی هم به رقابت و افزایش کیفیت نمی‌بینند. وزارت صمت نیز هیچ‌گونه سیاست مؤثری برای الزام ایشنان به ارتقای کیفیت و کاهش آلایندگی خودروهای داخلی پیش نمی‌گیرد! و مدیران وزارتخانه به کلی گویی در باب کیفیت تولیدات داخلی در سخنرانی‌ها اکتفا می‌کنند. جالب اینجاست که وزیر جدید صمت در یکی از اولین دستورات خود، خودروسازان داخلی را از حداقل تعداد اسقاط خودروی فرسوده در قبال فروش هر خودرو پرمصرف معاف می‌کند. این دستور که هیچ انتقاد جدی هم در سطوح سیاست‌گذاری و حتی رسانه‌ای در پی نداشت، مانع خروج صدها هزار خودرو فرسوده و خارج از رده از خیابان‌ها می‌شود. این دستور، یعنی حجم انبوهی از آلودگی و مرگ‌ومیر بیشتر! این داستان یک لایه جالب و ناگفته هم دارد: در لایه‌ای از تصمیم‌های یک‌شنبه، رانت اطلاعاتی فراوانی وجود دارد که به فساد اداری دامن می‌زند. وقتی شرکتی درست ساعتی پیش از بسته‌شدن سایت ثبت سفارش اقدام به ثبت سفارش انبوه می‌کند، ممکن است عده‌ای در یک وزارتخانه بهره میلیاردی ببرند! وقتی...جالب است که حتی در زمان بسته‌بودن رسمی سایت ثبت سفارش، بیش از ۱۰ هزار خودرو ثبت سفارش شده‌اند! این سفارش‌ها در ساعات نیمه‌شب روزهای تعطیل انجام شده‌اند تا کمترین توجه به خود جلب کنند. نایب‌رئیس انجمن واردکنندگان خودرو از درخواست رشوه پنیغ تا ۲۰ میلیون تومانی برای ثبت سفارش هر دستگاه خودرو وارداتی در این بازه زمانی می‌گوید: حالا ضرب عددی بزرگ‌تر از ۱۰ هزار در چند میلیون تومان با شما! وقتی خبرنگار سیما از مدیر مربوطه در وزارت صمت علت چند هزار ثبت سفارش خودرو در بازه زمانی مورد نظر را می‌پرسد، او در برابر دوربین، به‌کاسیست» می‌گوید! این نشان رابانه‌ای را به‌عنوان دلیل مطرح می‌کند! بالاخره وقتی خبرنگار سیما از وزیر صمت علت را می‌پرسد، او با لبخندی ملیح، وزیر قبلی را عامل توقف چند ماهه واردات خودرو برمی‌شمرد و دوباره با لبخندی ملیح‌تر از خبرنگار می‌پرسد که چرا همان روز اول این سوال را از وزیر قبلی نپرسیدی! بعد همین وزیر جدید چند روز پس از آن (در پنجمین همایش بین‌المللی خودرو) از وزیر پیشین به‌عنوان «پدر صنعت کشور» تجلیل می‌کند! این داستان کوتاه اما تلخ نشان می‌دهد که ایرانیان چگونه مجبور شدند برای خرید خودروی باکیفیت و با آلایندگی استاندارد، حدود سه برابر قیمت جهانی پرداخت کنند، بدون اینکه از سرروشت مصرف مابه‌التفاوت قیمت پرداختی با قیمت واقعی خودرو مطلع شوند. در این داستان دیدیم که شرکت‌های بزرگ و صاحب فناوری صنعت خودرو چگونه قید تولید در ایران را به علت سیاست‌های به‌شدت متغیر دولت زده و می‌زنند. دیدیم که خودروسازان داخلی بی‌توجه به خواست عمومی، چگونه قیمت خودروهای بی‌کیفیت، آلاینده و ناایمن خود را افزایش دادند بدون اینکه به بهبود کیفیت خودرو مقید شوند. دیدیم که چگونه خودروسازان داخلی از اسقاط خودرو فرسوده معاف شدند تا سودشان بیشتر و شهرهای ما از خودروهای آلاینده لبریز شود. دیدیم که بیشتر ایرانیان دیگر آمیدی به رقابت و باکیفیت‌شدن این دو خودروساز ندارند و چیزی نمانده که این دو شرکت به نماد سرشکستگی ملی در تولید صنعتی تبدیل شوند. دیدیم چگونه بازار ایران صحنه تاخت و تاز برندهای نوظهور چینی شده است. برندهایی که عمر آنها بسیار کمتر از خودروسازان داخلی است. دست آخر دیدیم که چه سفره گسترده‌ای برای فساد اداری این کشور پدید آمده! این داستان کوتاه و تلخ نشان داد که نظام موجود حکمرانی صنعتی کشور به چه سادگی می‌تواند یک نگرانی حمایت از کالای ایرانی را در عمل، به نتایج به‌شدت مخرب گره بزند. این داستان کوتاه و تلخ آشکارا فریاد می‌زند که فرمان صنعت کشور را کسانی در دست دارند که در دامن راز سیاست‌گذاری صنعتی و پیچیدگی‌های آن آشنایی کافی ندارند. حال تصور کنید در سال ۱۳۹۷، قرار باشد این تجربه صنعت خودرو توسط همان مدیران به نام «حمایت از کالای ایرانی» به همه صنایع کشور تعمیم داده شود. در همین چند روزی که از سال نو گذشته، موجی از دستورات مطالعه‌نشده به راه افتاده است. آیا نباید نگران فرجام این اتفاقات بود؟